

# محیط زیست و حقوق بشر:

## بررسی «حق بر خورداری از محیط زیست سالم و شایسته» به عنوان حقی بشری

دکتر علیرضا پارسا

دانشگاه علامه طباطبائی

### مقدمه

با گذشت بیش از ۲۵ سال از کنفرانس استکهلم<sup>۱</sup>، مشکلات عمیق و ریشه‌دار محیط زیست جهانی کماکان لاینحل باقی مانده است. نابودی تدریجی اکوسیستم‌های مختلف کره زمین ادامه یافته است و نشانی از کاهش سرعت آن به چشم نمی‌خورد. در اجلاسی که در سال ۱۹۹۷ در نیویورک تشکیل شد و هدف از آن بررسی پیشرفتهای به دست آمده در زمینه‌هایی که پنج سال پیش از آن در ریودوژانیرو<sup>۲</sup> مورد توافق قرار گرفته و بارزترین دستاورد آن «برنامه ۲۱»<sup>۳</sup> بود این نتیجه به دست آمد: هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. گزارشی که یونپ<sup>۴</sup> برای این اجلاس تهیه کرده بود حکایت از آن داشت که منابع آبی و زمین‌های قابل کشت، آلوده‌تر و کمیابتر از سال ۱۹۹۲ شده است؛ منابع شیلات جهان با وجود عهدنامه‌های متعدد ماهیگیری بیش از اندازه مورد بهره‌برداری قرار گرفته و برخی به کلی نابود شده است؛ سطح پخش گازهای گلخانه‌ای با وجود لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تغییرات اقلیمی<sup>۵</sup> از سال ۱۹۹۴ برای بیش از ۶۰ کشور امضاکننده، به اندازه‌ای رسیده است که با هیچ زمان دیگری قابل مقایسه نیست و توافقهایی که پیشتر درباره بازگرداندن سطح پخش این گازها تا سال ۲۰۰۰ به سطح سال ۱۹۹۰ به عمل آمده بود، در سال ۱۹۹۵ ناممکن تشخیص داده شد و تثبیت سطح پخش این گازها موکول به دهه نخست قرن بیست و یکم گردید.

نگاهی به فجایعی که در دهه ۱۹۸۰ میلادی تأثیر منفی بر محیط زیست گذاشت و تلفات جانی بسیاری به بار آورد، وضعیت اضطراری بی‌سابقه محیط زیست را روشنتر می‌کند. انفجار کارخانه صنایع شیمیایی یونیون کارباید<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۴ در بوپال هند و پخش گازهای سمی آن، بیش از ۲۰۰۰ کشته و ۱۵۰ هزار زخمی برجای گذاشت. در سال ۱۹۸۶، ذوب شدن یک رآکتور اتمی در چرنوبیل، آب و خاک را آلوده ساخت و منابع غذایی شوروی سابق، اروپای شرقی، و کشورهای اسکاندیناوی را

به مخاطره انداخت. به لحاظ آثار درازمدت این فاجعه، تعداد تلفات و مجروحین آن دقیقاً مشخص نیست. در همان سال حریقی که در یک کارخانه صنایع شیمیایی در بازل سوئیس رخ داد، مقادیر زیادی ماده شیمیایی سمی روانه رودخانه راین نمود. در سال ۱۹۸۹، به گل نشستن کشتی اگزان والرز<sup>۷</sup> در نزدیکی سواحل آلاسکا باعث نشت صدها هزار لیتر نفت خام به بستر دریای غنی آن مناطق شد. و سرانجام در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، در یک حرکت غیرانسانی که با تمامی ارزش‌های تاریخی و نوپای تمدن بشری مغایرت داشت، ارتش عراق میلیون‌ها تن نفت خام در خلیج فارس تخلیه کرد و صدها چاه نفت را به آتش کشید. خسارات این فاجعه زیست محیطی که علاوه بر دیگرگون ساختن محیط زیست دریایی و ساحلی خلیج فارس، دودهای سمی نیز به فضای جو فرستاد، نه قابل تخمین دقیق است و نه به اعتقاد بسیاری از متخصصان، قابل جبران. برخی نظریه‌پردازان تا بدان جا پیش رفته‌اند که می‌گویند فاجعه زیست محیطی جهانی که در شرف تکوین است هنگامی که با رشد بی‌رویه جمعیت در سطح بین‌المللی تلفیق شود، باعث ایجاد برخوردها، تضادها و مناقشات قومی و فرهنگی خواهد شد و صلح و امنیت بین‌المللی را در سطح بسیار گسترده‌ای به مخاطره خواهد انداخت.<sup>۸</sup>

جامعه بین‌المللی با تشکیل کنفرانس‌هایی همچون کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه به سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو و با انعقاد معاهدات منطقه‌ای و چندجانبه برای مقابله با این بحران فراگیر، به بررسی تأثیر فعالیت‌های بشر بر محیط زیست پرداخته و تدابیر جدی اتخاذ نموده است. اما همانطور که گفته شد، نتیجه‌گیریهای کنفرانس نیویورک در سال ۱۹۹۷ که به کنفرانس «ریو به اضافه پنج»<sup>۹</sup> شهرت یافت، مأیوس‌کننده بود و نشان می‌داد تلاش‌های چند سال اخیر عمدتاً بی‌فایده بوده است.

چه باید کرد؟ آیا می‌توان قوانین و مقررات

● نگاهی به فجایعی همچون انفجار کارخانه شیمیایی یونیون کارباید، ذوب شدن رآکتور اتمی چرنوبیل، به آتش کشیده شدن صدها چاه نفت در جنگ خلیج فارس و... وضعیت اضطراری بی سابقه محیط زیست را روشنتر می کند.

و با استناد به این حقوق، می توان «علیه کشور» اقدام کرد «و از کشور خواستار اجرای آنها» شد.<sup>۱۶</sup> این حقوق، حق محیط زیست، توسعه، و صلح را در بر می گیرد و در ضمن يك عنصر زمانی هم به حقوق بشر اضافه می کند و بدین ترتیب مفاهیم برابری در درون هر نسل و در میان نسلها<sup>۱۷</sup> را روشنتر می نماید. حقوق پیشنهادی «نسل سوم» یا «همبستگی»، به عنوان حقوقی نو، نه جایگزین حقوق بشر موجود در جامعه جهانی می شود و نه به آن وابسته است بلکه شناسایی این حقوق، بمنزله پاسخی است که جامعه بین المللی در برخورد با نیازها و اوضاع و احوال متحول و متغیر، مناسب می داند.

### الف) فلسفه وجودی و ماهیت «حق محیط زیست»

بحرانی بودن وضعیت ایجاد شده بواسطه نابودی تدریجی محیط زیست، ایجاد حقی بشری دایر بر بهره مندی از محیط زیست سالم را ایجاب می کند.<sup>۱۸</sup> این حق در قویترین شکل خود، نظارت بین المللی بر طیف گسترده ای از سیاستهای زیست محیطی داخلی هر کشور را مشروط می بخشد و پا را از آثار صرفاً برون مرزی این فعالیتها فراتر می نهد. این حق می تواند همچنین دسترسی مدعیان خصوصی به نهادهای حقوق بشر همچون کمیته حقوق بشر سازمان ملل یا دیوان اروپایی حقوق بشر را مجاز سازد و بر حقوق و خساراتی که در دادگاههای داخلی باید مدنظر قرار گیرد تأثیر گذارد. بدین ترتیب، آزادی کشورها در ادعای اینکه مسائل داخل مرزهای آنان تنها و تنها تحت صلاحیت داخلی است به شدت محدود می گردد.<sup>۱۹</sup>

از آنجا که وجود يك محیط زیست سالم، مستلزم اقدامات دولتی و بین المللی، و نیز همکاری بین بخش دولتی و بخش خصوصی است، نتیجتاً اعتقاد بر این است که شناسایی حق برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته در

جدیدی وضع نمود تا جایگزین نظام عهدنامه ای موجود شود زیرا بروشنی پیداست که این نظام به نحو مطلوب و مؤثر به اجرا در نیامده است؟ چه نوع مکانیزم هایی می توان برای اجرای مؤثر معاهدات زیست محیطی ایجاد کرد؟ چگونه می توان کشورها را ملزم به حفاظت جدی از محیط زیست، برای انسان امروز و نسلهای آینده کرد به نحوی که اگر در اجرای وظایف خود قصور یا تعهدات خود را نقض کنند، مجبور به پرداخت خسارات سنگین شوند؟ به چه ترتیبی می توان عاملی بازدارنده برای جلوگیری از نابودی محیط زیست به وجود آورد؟ پاسخ این پرسش ها را شاید بتوان در رابطه میان محیط زیست و حقوق بشر جستجو کرد چرا که روندهای موجود و روندهای در حال شکل گیری حقوق بین الملل، علاوه بر آگاهی گسترده درباره نیاز به حفاظت و نگهداری محیط زیست، و نیز ترغیب و حمایت از حقوق بشر، نمایانگر ارتباط نزدیک این دو و اهمیت آنها در قرن بیست و یکم می باشد. در این مقاله، این رابطه، بویژه امکان پذیری افزودن يك حق بشری نسبت به محیط زیست به مجموعه قوانین حقوق بشر، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱- مبانی «حق برخورداری محیط

#### زیست شایسته»<sup>۲۰</sup> به عنوان يك حق

#### بشری

برخی حقوقدانان پیشنهاد کرده اند برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست به وجود می آید، حق جدیدی در چهارچوب حقوق بشر، مبنی بر حق برخورداری از محیط زیست «شایسته»، «سالم»، و «امن»<sup>۲۱</sup>، شناسایی شود.<sup>۲۲</sup> این عده پیشنهاد می کنند که حق بهره مندی از محیط زیست سالم باید یکی از حقوق «نسل سوم»<sup>۲۳</sup> یا «حقوق همبستگی»<sup>۲۴</sup> محسوب شود.<sup>۲۵</sup> حقوق «نسل سوم» عناصری از حقوق «نسل اول» و «نسل دوم» را در هم می آمیزند

● بحرانی بودن وضعیت ایجاد شده به واسطه نابودی تدریجی محیط زیست، ایجاد حقی بشری دایر بر بهره‌مندی از محیط زیست شایسته، سالم و امن را ایجاد می‌کند.

سطح بین‌المللی، چهارچوب لازم را برای ترغیب چنین اقدامات و همکاری‌هایی به دست خواهد داد.<sup>۲۰</sup> همچنین باید در نظر داشت که لازمه استیفای مؤثر حق محیط زیست، ایجاد حق فردی اقامه دعوی است. این تضمین شکلی، مستلزم حق مشارکت در مراحل تصمیم‌گیری در خصوص تأثیرات زیست محیطی، حق دستیابی به اطلاعات مناسب و بموقع، حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی، و داشتن یک نظام اجرایی مؤثر است.<sup>۲۱</sup>

لزوم دخالت شهروندان، فراهم آمدن امکان مشارکت آنان، و وظیفه اطلاع‌رسانی به مردم در خصوص تصمیمات مربوط به محیط زیست، هم‌اکنون در بسیاری از اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. برای نمونه، منشور جهانی طبیعت<sup>۲۲</sup>، دستورالعمل جامعه اروپا درباره ارزیابی زیست محیطی<sup>۲۳</sup>، موافقتنامه آسه آن درباره حفظ و نگهداری طبیعت و منابع طبیعی<sup>۲۴</sup>، کنوانسیون ملل متحد درباره ارزیابی آثار زیست محیطی در چهارچوب فرامرزی<sup>۲۵</sup>، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر همگی مؤید وظائف اطلاع‌رسانی است. اما این حقوق مشکلاتی نیز در خصوص حیطه و وظائف تصمیم‌گیرندگان پیش می‌آورد. برای تأثیرگذاری بهینه، حق داشتن اطلاعات باید افرادی را هم که خارج از مرزهای کشور خاصی به سر می‌برند دربرگیرد. در نتیجه، به مقررات ماهوی بین‌المللی برای تضمین گسترش اطلاعات و مشارکت سیاسی تمامی افراد متأثر نیاز است. چنین مقرراتی از طریق ایجاد یک حق شناخته شده نسبت به محیط زیست، تسهیل می‌گردد.

### ب) مشکل تعریف

از میان موانع بسیاری که بر سر راه ایجاد حق برخورداری از محیط زیست سالم وجود دارد شاید مهمترین مشکل، دشوار بودن تعریف دقیق عبارات آن است. برای نمونه، چه نوع محیط زیستی در این

حق جای می‌گیرد؟ عبارت‌پردازی‌های متفاوت این حق، اوصافی همچون «شایسته»، «سالم»، و «امن» را دربرمی‌گیرد. پیشنهادهای دیگر، شامل حق محافظت در برابر سموم ساخته دست بشر که سلامتی او را به خطر می‌اندازند می‌باشد<sup>۲۶</sup>. اما از آنجا که یک محیط زیست سالم و شایسته، با نگرشی واقع‌بینانه، کمتر از یک محیط زیست کاملاً تمیز و پاکیزه است، رویکرد دیگری که می‌توان اتخاذ کرد این است که معیاری اتخاذ شود که نمایانگر یک حداقل لازم برای زندگی سالم باشد؛ ولی در هر صورت، اکوسیستمی شامل حیوانات و گیاهان وحشی نیز باید در این مجموعه جای گیرد<sup>۲۷</sup>. هدف غائی حق محیط زیست باید حفظ حیات و سلامتی بشر و همچنین حفاظت از محیط زیست طبیعی باشد و وظیفه حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های امروز و آینده را ایجاد نماید.

### پ) دیدگاه‌های مخالف

ایجاد یک حق بشری جدید، به هر حال همیشه با مشکل مواجه است. در مورد عناصر حقوق پیشنهادی اتفاق نظر وجود ندارد و برخی استدلال می‌کنند که تلاش برای ایجاد حقوق متعدد جدید می‌تواند از ارزش حقوق موجود بکاهد. گرچه برخی نویسندگان بر این عقیده‌اند که به هیچ‌وجه نمی‌توان عناصر ماهوی برای حقوق بشر جدید تعیین کرد، اما به هر حال برخی از این عناصر پذیرش عمومی یافته‌اند: حقوق بشر باید برای حفظ زندگی بشر و حفظ و بهبود کیفیت و شرایط آن، حیاتی باشد؛ حقوق بشر باید جهانی باشد و شامل تمامی ابناء بشر در مناطق مختلف و با فرهنگ‌های متفاوت گردد؛ این حقوق باید برای حیات بشر ضروری باشد. بنابراین حقوق بشر باید اساسی و مستدام باشد و ماهیت آن با تغییر اوضاع و احوال و شرایط زمانی تغییر نیابد و باید ریشه در واقعیت داشته باشد، نه اینکه صرفاً قراردادی باشد<sup>۲۸</sup>.

اکثر نویسندگان معتقدند حق بهره‌مندی از

● لزوم دخالت شهروندان، فراهم آمدن امکان مشارکت آنان، و وظیفه اطلاع رسانی به مردم در خصوص تصمیمات مربوط به محیط زیست، هم‌اکنون در بسیاری از اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

ایجاد می‌کند. این حق، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که به محیط زیست صدمه می‌زنند، بر افراد، سازمانها، و شرکتها تحمیل می‌کند. سازمانهای بین‌المللی نیز مجبور می‌شوند از خطرات زیست‌محیطی اجتناب کنند. برای نمونه نهادهای مالی بین‌المللی همچون بانک جهانی مجبور می‌شوند از سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که ممکن است صدمات زیست‌محیطی به بار آورند خودداری کنند؛ احتمالاً ارزیابی آثار زیست‌محیطی در پیشنهاد پروژه‌ها الزامی می‌شود. سرانجام، لازم است حقوق‌شکلی موجود تحکیم یابد و حقوق‌شکلی جدیدی ایجاد شود و پذیرش حق محیط زیست به نیل به این هدف کمک خواهد کرد.

## ۲- شناسایی بین‌المللی حق

### بر خورداری از محیط زیست شایسته

#### الف) اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها

نخستین اصل اعلامیه استکهلم مورخ سال ۱۹۷۲ اعلام می‌دارد: «بشر حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط زندگی مناسب در محیط زیستی که کیفیت آن یک زندگی آبرومندانه و سالم را اجازه دهد، داراست و بشر مسؤولیت جدی حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای امروز و فردا را به عهده دارد.» این اعلامیه رسماً بحث درباره رابطه محیط زیست و حقوق بشر را آغاز کرد. سون استدلال می‌کند که این اصل می‌تواند تفسیری را که بر حقوق فردی تاکید دارد تحکیم بخشد، اما باید همچنین توجه داشت که هیچ عهدنامه‌ای صریحاً به حق داشتن یک محیط زیست شایسته به این شکل اشاره نکرده است.<sup>۳۳</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه استکهلم را تقریباً به اتفاق آرا تصویب کرد اما در نبود رویه کشوری و عنصر معنوی عرف (opinio juris) که لازمه ایجاد یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است حق بهره‌مندی از محیط زیست شایسته هنوز وارد مجموعه حقوق

محیط زیست شایسته به شکل گسترده‌ای که در بندهای بالا آمد، بخشی از حقوق بین‌الملل نیست. دویونی استدلال می‌کند که این حق برخلاف حق حیات، یک حق ذاتی بشر نیست و ماهیت آن از دیگر حقوق اقتصادی و اجتماعی همچون حق سلامتی نشأت می‌گیرد و نیز فاقد هرگونه مکانیزم اجرایی است.<sup>۲۹</sup> کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه<sup>۳۰</sup> نیز، گرچه حقی بنیادین به داشتن محیط زیستی مناسب برای سلامتی تمامی ابناء بشر را پیشنهاد می‌کرد، فقدان مقررات معاهده‌ای را متذکر می‌شد و نتیجه می‌گرفت که این حق هنوز کاملاً استقرار نیافته است. برخی دیگر خاطر نشان ساخته‌اند که چنین دیدگاهی که بشدت متمرکز بر انسان است، می‌تواند منافع دیگر موجودات یا توازن اکولوژیک جهان را نادیده انگارد و در نتیجه، بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی را ترغیب کند که این خود به زیان کلی محیط زیست تمام می‌شود.<sup>۳۱</sup>

استدلال‌های موجهی در مخالفت با ایجاد یک حق بشری نسبت به محیط زیست وجود دارد. برای نمونه، پروفیسور هندل بر این عقیده است که: (۱) حقی که اصطلاحاً حق محیط زیست نامیده می‌شود چنانچه به این معنا باشد که هیچ نوع تخطی از آن جایز نیست، نمی‌تواند به صورت یک حق ذاتی شکل گیرد؛ (۲) رویه کشورهای از آن پشتیبانی نمی‌کند؛ (۳) این حق مبهم و کلی است و به مرحله اجرا رساندن آن دشوار است؛ و (۴) حق مزبور تمرکز و توجه به دیگر اهداف حقوق بشر و مسائل زیست‌محیطی را منحرف می‌نماید. وی خواستار هماهنگی نظام‌های حقوق بشر و محیط زیست جهانی است.<sup>۳۲</sup>

بسیاری از استدلال‌های پروفیسور هندل معتبر است. اما این انتقادات را می‌توان در مورد بسیاری از دیگر مواد حقوق بشر هم که در حال حاضر جافتاده‌اند و به موجب اسناد بین‌المللی پذیرفته شده‌اند وارد ساخت. وانگهی حق محیط زیست وظائفی فراتر از آنچه از دولت خواسته می‌شود

● هدف غایی حق محیط زیست باید حفظ حیات و سلامتی بشر و همچنین حفاظت از محیط زیست طبیعی باشد و وظیفه حفاظت از محیط زیست برای نسل های امروز و آینده را ایجاد نماید.

بین الملل عرفی نشده است. با این حال، بسیاری از سازمانهای بین المللی و دولتها، حق محیط زیست را به عنوان يك حق بشری شناسایی کرده اند. در اوایل دهه ۱۹۷۰ کنفرانس پارلمانی اروپا درباره حقوق بشر، و شورای اروپا هر يك جداگانه به بررسی این موضوع پرداختند که آیا حق بهره مندی از محیط زیست سالم باید به سطح يك حق بشری شناخته شده برسد یا نه. در دهه ۱۹۸۰ تحولات دیگری در شناسایی محیط زیست به عنوان يك حق بشری ایجاد شد. در سال ۱۹۸۰ سمپوزیوم یونسکو درباره حقوق بشر نو یکی از «حقوق همبستگی» را حق داشتن يك محیط زیست سالم اعلام کرد که در آن موازنه اکولوژیک برقرار باشد. سال بعد منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق ملتها حق تمامی مردم به داشتن «يك محیط زیست کلاً رضایت بخش و مناسب برای توسعه» آنها را اعلام داشت. در سال ۱۹۸۸ کمیسیون کشورهای آمریکایی درباره حقوق بشر پیش نویس پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را تصویب کرد که شامل يك حق بنیادین زیست محیطی مبنی بر «زندگی در يك محیط زیست سالم» بود. البته این پروتکل که برای لازم الاجرا شدن نیازمند تصویب یا الحاق ۱۱ عضو است هنوز از پذیرش گسترده ای برخوردار نشده است.<sup>۳۴</sup>

در سپتامبر ۱۹۹۰ مجمع پارلمانی شورای اروپا توصیه ای به تصویب رساند که بر يك حق بشری دایر بر داشتن محیط زیست «مناسب برای سلامتی و رشد کامل شخصیت بشری» تأکید داشت. در اکتبر ۱۹۹۱ در اجلاس متخصصان جامعه اروپا در تروژ، پیش نویس منشور حقوق و تعهدات زیست محیطی به تصویب رسید که «حق برخورداری از محیط زیست مناسب برای سلامتی و تندرستی» فرد را به عنوان يك اصل بنیادین مقرر می داشت. در همان سال اتحادیه های حقوق محیط زیست اعلامیه ای تصویب کرد که شناسایی يك «حق بشری محیط زیست» را توصیه

می نمود<sup>۳۵</sup>.

مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس چهل و پنجم خود، قطعنامه ای مبنی بر «نیاز به حصول اطمینان از برخورداری افراد از محیط زیست سالم برای تندرستی آنها» به تصویب رساند. مجمع عمومی با یادآوری اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشعار داشت «هر فردی حق برخورداری از سطح زندگی مناسب برای سلامتی و تندرستی خود و خانواده اش و بهبود مداوم شرایط زیست را داراست... مجمع عمومی این امر را که همه افراد حق دارند در محیط زیستی شایسته برای سلامتی و تندرستی خود زندگی کنند به رسمیت می شناسد».<sup>۳۶</sup>

شاید بزرگترین ضربه به ایجاد حق بشری محیط زیست سالم و شایسته در جریان کنفرانس سازمان ملل در ریو وارد شد. اعلامیه ریو شناسایی حق داشتن محیط زیست مناسب را در سند نهایی خود نگنجاناند. اصل اول اعلامیه صرفاً اشعار می دارد: «ابنا بشر در مرکز تلاشهای توسعه پایدار قرار دارند. آنها حق دارند زندگی سالم و پربراری هماهنگ با طبیعت داشته باشند». در مقایسه با اعلامیه استکهلم که بیست سال پیش از آن تنظیم شده بود این عبارات را می توان به منزله گامی به عقب دانست.

### ب) قانون اساسی کشورها

بسیاری کشورها اعم از توسعه یافته و در حال رشد در قوانین اساسی خود حقی نسبت به محیط زیست عنوان کرده اند. اصل پنجاهم قانون اساسی ایران وظیفه حفاظت از محیط زیست را به نحو زیر مقرر می دارد:

«حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد». در این اصل، وظیفه حفظ و نگهداری محیط زیست آشکارا به عنوان تکلیفی ملی گنجانده شده اما اینکه

● اعلامیه استکهلم: «بشر حق بنیادین آزادی، برابری و زندگی مناسب در محیط زیستی که کیفیت آن يك زندگی آبرومندانه و سالم را اجزاه دهد داراست و مسئولیت جدی حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های امروز و فردا را به عهده دارد.»

خواهان مبنی بر استخراج ماسه از ملك خود را لغو کرده بود. دیوان، همچون کمیسیون اروپایی حقوق بشر، مجدداً منافع کل جامعه را با منافع فردی مقایسه و مقابله کرد با این تفاوت که در اینجا، دیوان اگر چه متذکر شد حفاظت از محیط زیست «از اهمیت فزاینده ای برخوردار است»، با این حال رأی داد که دولت سوئد حقوق خواهان را نقض کرده است.

در سال ۱۹۹۳ پرونده ای جالب و در نوع خود بی نظیر در دادگاه های فیلیپین مطرح شد<sup>۳۹</sup>. خواهان ها همگی صغیر بودند و به نمایندگی از طرف خود و نسل های آینده که هنوز به دنیا نیامده اند اقامه دعوا نموده بودند و ادعا می کردند دارای حق برخورداری از يك اکولوژی متعادل و سالم می باشند. خواهان ها حق اخیر را با مفاهیم مسئولیت بین نسلها و عدالت بین نسلها ارتباط دادند و خواستار لغو تمامی موافقتنامه های اعطای مجوز قطع درخت در کشور و جلوگیری از اعطای مجوزهای جدید شدند. آنها معتقد بودند که جنگل زدایی بیش از اندازه، باعث بروز فجایع زیست محیطی عدیده ای همچون خشکسالی، سیل، کمبود آب، از بین رفتن خاک، شور شدن آب، و نابودی فرهنگ های بومی فیلیپین شده است. آنها همچنین ادعا می کردند که اقدامات خواننده مبنی بر اعطای مجوز قطع درخت به شرکتهای مختلف، باعث ایجاد این فجایع زیست محیطی شده است و به قانون اساسی فیلیپین که قوانین زیر را در بردارد استناد نمودند:

الف) تقسیم منصفانه تر امکانات، درآمد و ثروت و استفاده کارآمد از منابع طبیعی  
ب) حفاظت از ثروت دریایی کشور  
پ) حفاظت و ترویج میراث فرهنگی و منابع کشور

ث) حمایت و پیشبرد حق ملت دایر بر برخورداری از اکولوژی متعادل و سالم، هماهنگ با طبیعت.

خواهان ها استدلال می کردند که خودداری خواننده از لغو این موافقتنامه های اعطای مجوز،

آیا افراد حقی نسبت به محیط زیست دارند یا خیر مبهم مانده است؛ بدین معنا که حقی صریح مبنی بر برخورداری از محیط زیستی سالم و شایسته در آن مطرح نشده است. اما بر نیاز به حفظ محیط زیست به نحوی که در آن قابلیت رشد برای نسلهای کنونی و نسلهای آینده محفوظ باشد، تاکید شده است. بنابراین شاید بتوان بطور ضمنی و از عبارت «حیات اجتماعی رو به رشد»، حق برخورداری از يك محیط زیست سالم را استنباط کرد.

### پ) آراء مراجع بین المللی و داخلی

مراجع حقوقی بین المللی از شناسایی رسمی نیاز به محیط زیستی سالم در چهار چوب حقوق بشر، اگرچه داشته اند. برای نمونه، می توان به دیوان اروپایی و کمیسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. این مراجع، به پرونده هایی رسیدگی کرده اند که در آنها خطرات زیست محیطی مستقیماً با حقوق بشر مرتبط بوده است. برای نمونه، در سه پرونده راجع به آلودگی صوتی ناشی از فعالیت فرودگاه های هیثرو و گتویک (در انگلستان)<sup>۳۷</sup>، کمیسیون تشخیص داد که آلودگی صوتی بیش از حد، باعث ایجاد فشارهای روحی و جسمانی غیر قابل تحمل شده و حق برخورداری از خانه و ملك خواهان ها (مندرج در کنوانسیون اروپا) را نقض کرده است. با این حال، با توجه به حیاتی بودن فرودگاهها برای تجارت بین المللی و اقتصاد انگلستان، این تخلفات کم اهمیت تر از منافع کل جامعه تشخیص داده شد. در نتیجه، کمیسیون رأی داد که تولید این اصوات، کنوانسیون اروپا را نقض نمی نماید.

در پرونده دیگری که در سال ۱۹۹۱ در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد<sup>۳۸</sup>، تاثیر حفاظت از محیط زیست بر حمایت از حقوق بشر در کنوانسیون اروپا مورد بحث قرار گرفت. قضیه از آنجا ناشی شده بود که دولت سوئد، با استناد به قانونی که از محیط زیست حمایت می نمود، مجوز

● حق برخورداری از محیط زیست امن می تواند نقش قابل توجهی در حفاظت از منافع بشری در داشتن يك محیط زیست امن ایفا کند و جنبش های حقوق بشر و هوادار محیط زیست را به یکدیگر پیوند دهد.

مغایر با سیاستهای عمومی زیست محیطی فیلیپین به نحو مندرج در قوانین ذریبط بوده است. دادگاه بدوی با این استدلال که مبنایی برای طرح دعوا ارائه نشده است و اینکه موافقت با خواسته دعوا به منزله معیوب و مخدوش ساختن قرار دادهاست پرونده را رد کرد. دیوان عالی فیلیپین رأی دادگاه بدوی را شکست و اعلام داشت که خواهانها اهلیت لازم را برای اقامه دعوی داشته اند. دیوان همچنین عنوان کرد که «حق خواهانها (و تمامی آنهايي که به نمایندگی از آنها اقامه دعوی کرده اند) نسبت به برخورداری از يك اکولوژی سالم، روشن و مسلم است و وظیفه خوانده (به موجب اختیارات آن طبق قوانین ذریبط)، حفاظت و پیشبرد حق مزبور، می باشد».

بدین ترتیب، اگر چه دادگاههای بین المللی صریحاً اهمیت حفاظت از محیط زیست را به رسمیت شناخته اند، ولی توانایی دولتها در حفاظت از محیط زیست محدود است چرا که نابودی تدریجی محیط زیست به خودی خود يك دلیل جداگانه برای اقامه دعوی محسوب نمی شود بلکه باید عموماً با نقض دیگر حقوق بشر موجود پیوند خورده باشد.

بی گمان انهدام تدریجی محیط زیست مسئله ای است که مرز ملی و حتی منطقه ای نمی شناسد و در نتیجه امکان شناسایی يك حق جداگانه نسبت به محیط زیست باید در سطح بین المللی مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

### ۳- حقوق بشر و مرکزیت انسان

با وجود آگاهی و تمایل گسترده و شناسایی حق برخورداری از محیط زیست سالم در بسیاری از کشورها، بحث درباره اینکه حقوق بشر شیوه مناسبی برای بیان ارزشها و قواعد زیست محیطی است یا نه ادامه دارد. برخی حقوقدانان راه حل میانه ای بین طرفداران شیوه فوق و آنان که این راه حل را بکلی رد می کنند عنوان می نمایند. پروفیسور جیمز نیکل می گوید: «حقوق نباید

مفهوم حاکم بر محیط زیست گرایي<sup>۴۰</sup> باشد. بهتر است اکثر مفاهیم زیست محیطی در چهارچوب مصالح زیست محیطی، احترام به طبیعت و مسؤولیت در قبال آن، و تعهدات نسبت به نسلهای آینده عنوان شود. صحبت از حقوق برای بررسی بعضی از جدی ترین نتایج نابودی تدریجی محیط زیست سودمند و مثمر تر است. بویژه حق برخورداری از محیط زیست امن می تواند نقش قابل توجهی در حفاظت از منافع بشری در داشتن يك محیط زیست امن ایفا کند و جنبش های حقوق بشر و محیط زیست را به یکدیگر ارتباط دهد».<sup>۴۱</sup>

این پرسش همچنان باقی است که حفاظت از محیط زیست باید در مجموعه مقررات شناخته شده و موجود حقوق بشر قرار گیرد یا اینکه حفظ و نگهداری اکوسیستم جهانی، خود يك هدف غائی است؟ به دیگر سخن، آیا حقوق بشر، و حفاظت از محیط زیست، ارزش هایی هستند که اساساً متفاوتند و اجرای هر دو آنها، بیشتر تضاد ایجاد می کند تا پیشرفت، یا اینکه مکمل یکدیگرند و یکی اهداف دیگری را تأمین می کند؟

این نظریه که قوانین حافظ حقوق بشر از طریق ترویج حقوقی بنیادین برای دستیابی به آزادی، عدالت و صلح در جهان، خطراتی را که موجودیت، شرف و آبروی انسان را تهدید می کنند، کاهش می دهند، نظریه محکمی است. تعریف اهداف حقوق محیط زیست دشوارتر است. بسیاری از نظریه پردازان، با پیروی از اعلامیه استکهلم بر این عقیده اند که هدف اصلی حفاظت از محیط زیست، بهره مندی انبای بشر است. از سویی دیگر برخی از محیط زیست گرایان از آن بیم دارند که يك مفهوم کاملاً تمرکز یافته بر انسان، مقام محیط زیست را صرفاً به ارزش اقتصادی آن تنزل دهد و باعث بهره برداری بیش از حد از منابع و نتیجتاً انهدام محیط زیست شود. اینها استدلال می کنند که محیط زیست يك موجودیت مجزا است که باید برای وجود خودش از آن حفاظت نمود و بنابراین قوانین حقوق بشر موجود، نظام مناسبی برای

● حق محیط زیست، پیش‌نیازی است برای تمامی دیگر حقوق بشر؛ چرا که برای بهره‌مندی انسانها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردارند.

محیط زیست ناممکن. انسانها برای بقا نیازمند هوا، آب و غذای باشند. آلودگی یا نبودن این عناصر، خطری مستقیم برای سلامتی و تندرستی بشر، منابع غذایی و محیط سکونت وی، و در واقع برای موجودیت بشر محسوب می‌شود. در نتیجه، هم حقوق بشر و هم حقوق محیط زیست عناصری از منافع مشترک بشریت می‌باشند.<sup>۴۸</sup>

علاوه بر آن، نبودن تدریجی محیط زیست چندین حق شناخته شده بشر را نیز از بین می‌برد. مسلم آن است که حیات، بدون محیط‌زیستی که از حداقل پاکیزگی و سلامتی برخوردار باشد ممکن نیست. بنابراین می‌توان استدلال کرد که حق محیط‌زیست، پیش‌نیازی است برای تمامی دیگر حقوق بشر چرا که برای بهره‌مند شدن انسانها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردارند. بدین ترتیب اساس حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را می‌توان در بنیادی‌ترین حق شناخته شده در منشور ملل متحد یافت: حق حیات.

حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را در چندین حق بشری شناخته شده دیگر نیز می‌توان پیدا کرد. برای نمونه، حق سلامتی و تندرستی که در معاهدات و توصیه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است محافظت در مقابل خطرات زیست‌محیطی که می‌تواند در درازمدت سلامتی انسانها را تهدید کند، در برمی‌گیرد. حق برخورداری از یک معیار بالای سلامتی جسمی و روحی، حق آزادی و امنیت، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، حق برخورداری از شرایط کاری مناسب، حق داشتن خانه و برخورداری از ملک، و حق داشتن غذا، همگی وابسته به محیط‌زیستی است که بتواند حیات بشر را تضمین کند.

## ۵ نتیجه‌گیری

اگر چه هنوز نمی‌توان نتیجه گرفت که حقوق بین‌الملل مستقیماً از حق برخورداری از

بر آوردن نیازهای محیط‌زیست نمی‌باشند. آنچه محرز است این است که حقوق بین‌الملل، ارزش ذاتی محیط‌زیست، از جمله اکوسیستم‌ها و گونه‌های حیوانی طبیعی را نادیده نمی‌گیرد. این امر می‌تواند از معاهدات مربوط به قطب جنوب، عهدنامه میراث جهانی<sup>۴۳</sup>، کنوانسیون برن درباره حفظ حیات وحش اروپایی و زیستگاه‌های طبیعی آن<sup>۴۴</sup>، کنوانسیون سایتیس<sup>۴۵</sup> و چندین موافقتنامه آلودگی دریایی، علاوه بر منشور جهانی طبیعی<sup>۴۶</sup> استنباط کرد. در حال حاضر، منافع محیط‌زیست و حیوانات در موارد فوق، از طریق فرایندهای جمعی نظارت سازمانی حفظ می‌شود. افزودن عنصر حقوق بشر می‌تواند مکمل حفاظت گسترده‌تر از کره زمین باشد و جدایی‌ناپذیری منافع بشر از منافع محیط‌زیست بطور کل و از منافع نسلهای بعد را انعکاس دهد.<sup>۴۷</sup>

اما باید به این امر نیز اذعان داشت که اهداف حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست می‌توانند با یکدیگر در تضاد باشند. بقای بشر مستلزم در نظر گرفتن نیازهای فعلی و همچنین نیازهای نسلهای آینده است. حفاظت از منابع برای آیندگان، حیاتی است اما چنین امری مستلزم آن است که در زمان حال، این منابع مورد بهره‌برداری قرار نگیرد. در نتیجه، حفاظت از طبیعت برای آیندگان می‌تواند با توسعه اقتصادی برای بر آوردن نیازهای امروز، در تضاد باشد. این تضاد، بویژه کشورهای در حال رشد را که به لحاظ فقر گسترده، رشد اقتصادی را در اولویت قرار داده‌اند، با اشکال مواجه می‌کند و پایداری درازمدت، مستقیماً در تقابل با بقای کوتاه‌مدت قرار می‌گیرد. بعلاوه، از بین رفتن منابع در یک منطقه خاص، سکنه آن را مجبور به نقل مکان به مناطقی می‌کند که می‌تواند بقای آنان را تضمین کند و بدین ترتیب بر احتمال رقابت فزاینده بر سر منابع رو به کاهش، رویارویی فرهنگهای متفاوت، و بروز درگیریهای خشونت‌آمیز می‌افزاید.

با این حال نمی‌توان کتمان کرد که بشر بخشی از طبیعت است و تفکیک منافع انسان از منافع



● فاجعه زیست محیطی جهانی که در شرف تکوین است هنگامی که بارش بی‌رویه جمعیت در سطح بین‌المللی تلفیق شود باعث ایجاد برخوردها، تضادها، و مناقشات قومی و فرهنگی خواهد شد و صلح و امنیت بین‌المللی را در سطح بسیار گسترده‌ای به مخاطره خواهد انداخت.

حاضر بنظر می‌رسد جامعه بین‌المللی آمادگی بررسی و تدوین يك عهدنامه کلی درباره حقوق محیط‌زیست را داشته باشد. چنین کنوانسیون‌های تشکیلیك نهاد بین‌المللی را که برای نظارت بر آلوده‌کنندگان و اجرای مقررات از طریق مجازات متخلفان معیارهای کمی وضع کند، تسهیل می‌نماید.

سازمان ملل تشکل مناسبی برای اقدام در جهت ایجاد حق شناخته شده برخوردار از محیط‌زیست سالم و امن می‌باشد. ایجاد این حق باعث می‌شود که بتوان خطراتی را که متوجه محیط‌زیست است در مراجع حقوق بشر مطرح کرد بدون اینکه خطری متوجه حقوق بشر موجود گردد. از آن مهمتر اینکه این حق، اطلاع‌رسانی و قابلیت مشارکت در ارزیابی پروژه‌ها را که برای جلوگیری از ایراد خسارات زیست محیطی لازم است، مقرر می‌دارد.

#### یادداشت‌ها

1. United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 1972.
  2. United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 1992.
  3. "Agenda 21".
  4. United Nations Environment Programme (UNEP).
  5. Climate Change Convention (1992).
  6. Union Carbide Chemical Plant.
  7. Exxon Valdez.
  8. R.D. Kaplan, "The Coming Anarchy", *The Atlantic Monthly*, February 1994.
- نویسنده همچنین معتقد است، مشکلات زیست محیطی «تشهای موجود را تشدید کرده» و روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.
9. "Rio plus five".
- عبارت «باضافه پنج» به معنای پنج سال پس از کنفرانس ریو، می‌باشد.
10. The Right to A Decent Environment.
  11. The Right to A "Decent", "Health-

محیط‌زیست شایسته حمایت می‌کند، اما روشن است که بسیاری از کشورها اهمیت آن را در اعلامیه‌های مختلف و در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند. این امر، خود تحول قابل توجه و مطلوبی است.

یکی از مطالبی که باید مدنظر داشت این است که حفاظت مناسب از محیط‌زیست جهانی وابسته به اقدامات داخلی و بین‌المللی است، و استفاده از نظام‌های حقوقی داخلی توسط افراد یا گروه‌های محیط‌زیست، فشار بیشتری بر دولت‌ها برای پیروی از تعهدات بین‌المللی خود وارد می‌آورد. از این گذشته، وجود حقوق شکلی فردی در شکل‌گیری سیاستگذاری زیست محیطی داخلی نقش مؤثری ایفا می‌کند و حل و فصل اختلافات فرامرزی را از طریق دسترسی برابر به فرایندهای حقوقی یکسان، تسهیل می‌نماید. این امر به سازمان‌های غیردولتی این امکان را می‌دهد که بر اساس منافع عمومی اقامه دعوا و با تخلفات مبارزه کنند. برای حقوق بین‌الملل کاملاً واقع‌بینانه است که این روندها را تشویق و ترغیب نماید.

تعریف کیفی محیط‌زیست شایسته، دشوارتر است و تنها چنانچه در چارچوب دیگر خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی مدنظر قرار داده شود، امکان‌پذیر می‌نماید. محکمترین استدلال این است که دیگر حقوق بشر، خود وابسته به کیفیت مناسب محیط‌زیست هستند و نمی‌توانند بدون اقدام دولتی برای حفاظت از محیط‌زیست به واقعیت بپیوندند. این استدلال بی‌گمان خدشه‌ناپذیر است اما مسائل اجرا و تعریف را که موانع اصلی توسعه حقوق و محیط‌زیست در این چهارچوب هستند، حل نمی‌کند.

ایجاد حق محیط‌زیست، مستلزم تلاش گسترده بین‌المللی در جهت هماهنگی بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکتهای چند ملیتی، و افراد است. برای تحقق این امر، نخست حق بشری بین‌المللی برخوردار از محیط‌زیست سالم و امن باید بروشنی و بطور دقیق تعریف شود. این امر مستلزم اقدامات سازمان ملل است. در حال

- Birnie & Boyle, **op. cit.**, p. 191.
30. World Commission on Environment and Development.
31. See Kiss & Shelton, **op. cit.**, p.214.
32. G. Handl, "Human Rights and Protection of the Environment: A Mildly 'Revisionist' View", in **Human Rights, Sustainable Development and the Environment**, pp. 121-142.
33. Birnie & Boyle, **op. cit.**, p. 191.
34. Nanda, **op. cit.**, p. 63.
35. **Ibid.**
36. U.N.G.A. Res. 45/94, adopted on Dec. 14, 1990.
37. *Arrondelle v. United Kingdom*, Appt. No. 7889/77, 26 Eur. Comm'n H.R. Dec & Rep. 5 (1982); *Powell v. United Kingdom*, 172 Eur. Ct. H.R. (ser. A), at 5 (1990); *Baggs v. United Kingdom*, App. No. D. 9310/81, 44 Eur. Comm'n H.R. Dec. & Rep. 13 (1985).
38. *Fredin v Sweden*, 192 Eur. Ct. H.R. (ser. A), at 6(1991).
39. *Minors Oposa v. Secretary of the Department of Environment and Natural Resources (DENR)*, Reprinted in 33 I.L.M. 173 (1994).
40. environmentalism.
41. J.W. Nickel, "The Human Right to a Safe Environment: Philosophical Perspectives on its Scope and Justification", **Yale Journal of International Law**, 18(1993), pp. 281-282.
42. Nanda, **op. cit.**, p. 67.
43. **Ibid.**
43. The World Heritage Convention.
44. Berne Convention on the Conservation of European Wildlife and Natural Habitats.
45. CITES Convention.
46. World Charter for Nature.
47. Birnie & Boyle, **op. cit.**, p. 194.
48. A. Kiss, "An Introductory Note on a Human Right to Environment" in E.B. Weiss (ed.), **Environmental Change and International Law** (1992), pp. 199-315.
- ful", and "Safe" Environment.
12. A. Kiss and D. Shelton, **International Environmental Law**, pp. 21-31 (1991); "The Right to Environment", in **Human Rights in the 21st Century**, pp. 517-614 (K. Mahoney and P.Mahoney eds., 1993); M. Thorme, "Establishing Environment as a Human Right, 19 *Denv. j. int'l law and policy*, 301 (1991).
13. "Third Generation" Rights.
14. "Solidarity" Rights.
15. Kiss & Shelton, **op. cit.**; Mahoney & Mahony, **op. cit.**; and Thorme, **op.cit.**
- بطور کلی حقوق «نسل اول»، حقوق سیاسی و مدنی هستند که آن دسته از آزادیهای فردی را که دولتها باید به آن احترام گذارند تعریف می کنند و حقوق «نسل دوم»، حقوق اقتصادی و اجتماعی می باشند که نیاز به اقدامات پویای دولتها دارند.
16. **Ibid.**
17. "inter - generational;" and "intra - generational" equity.
18. V.P. Nanda, **International Environmental Law and Policy**, (New York, 1995), p. 62.
19. P. W. Birnie and A. Boyle, **International Law and the Environment**, (London, 1992), p. 191.
20. Nanda, **op. cit.**, p. 70.
21. **Ibid.**
22. World Charter for Nature.
23. EEC Directive on Environmental Assessment.
24. ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources.
25. UN Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context.
26. Thorme, **op. cit.**,
27. **Ibid.**
28. Kiss & Shelton, **op. cit.**; Mahoney & Mahoney, **op.cit.**; and Thorme, **op.cit.**
29. P.M. Dupuy, in R.J. Dupuy (ed.), **The Right to Health as a Human Right** (Alphen and Eurijn, 1979), p.340.